

<http://doi.org/10.22133/MTLJ.2022.340027.1092>

Privacy of Children of Celebrities in the Age of Modern Media

Abbas Mirshakari^{1*}, Seyed Mohammad Amin Hosseini², Fatemeh Chaji³

¹ Assistant Professor, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

² PhD Student in Private Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

³ Master's Student of Family Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran

Article Info

Abstract

Original Article

Received:
29-4-2022
Accepted:
1-8-2022

Keywords:

Balance Theory
The Right of Privacy
The Right of Publicity
New Media

Today, the growth of new technologies in the field of media, especially the emergence of social networks, has accelerated the process of obtaining information and then spreading it. One of the topics that people pay attention to on social networks is the life of famous people. Undoubtedly, one of the important parts of these people's lives is their children, and the media tries to publish news about them due to people's interest in knowing about the children of famous people. Famous people, as the parents of these children, have invoked their children's privacy, and the media also have the right to express information freely. Considering the conflict between these two rights, the main question is, which one is preferable? To answer this question, the authors have identified four perspectives with the help of a descriptive-analytical method. In the opinion of some, the privacy and interests of the child are preferred, and a group of people resort to the value of freedom of speech and consider disseminating information about famous people to ensure public interests. Another group differentiates between the type of fame and the type of place. Still, a group in theory called balance seeks to provide criteria that the judge can establish a balance between the right to privacy and freedom of expression in each case using these criteria. In Iranian law, while both rights are recognized, there is no explicit statement regarding the conflict between them.

*Corresponding author

E-mail: mirshekariabbas1@ut.ac.ir

How to Cite:

Mirshakari, A., Hosseini, S. M. A., & Chaji, F. (2022). Privacy of Children of Celebrities in the Age of Modern Media. *Modern Technologies Law*, 3(5), 105-120.

Published by University of Science and Culture <https://www.usc.ac.ir>
Online ISSN: 2783-3836



حریم خصوصی کودکان اشخاص مشهور در بستر رسانه‌های نوین

عباس میرشکاری^۱، سیدمحمدامین حسینی^۲، فاطمه چاجی^۳

^۱ استادیار، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۲ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خانواده، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|---|-------|
| مقاله پژوهشی | |
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۹ | |
| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۰ | |
| واژگان کلیدی: نظریه توازن حق خلوت حق جلوت رسانه‌های نوین | |
| *نویسنده مسئول رایانامه: mirshकारी@ut.ac.ir | |
| نحوه استناددهی: میرشکاری، عباس، حسینی، سیدمحمدامین و چاجی، فاطمه (۱۴۰۱). حریم خصوصی کودکان اشخاص مشهور در بستر رسانه‌های نوین. <i>حقوق فناوری‌های نوین</i> ، ۳(۵)، ۱۰۵-۱۲۰. | |
| ناشر: دانشگاه علم و فرهنگ https://www.usc.ac.ir شاپای الکترونیکی: ۲۷۸۳-۳۸۳۶ | |

مقدمه

زندگی اشخاص مشهور همیشه مورد توجه عموم بوده است، حتی اگر مجبور باشند برای این منظور، وارد حریم شخصی آن‌ها بشوند. از این رو، برخی شخص مشهور را کسی تعریف کرده‌اند که مورد توجه عموم مردم است، به گونه‌ای که مردم دوست دارند از کوچک‌ترین رفتار او اطلاع یابند (Helling, 2005, p.26). گاه، به این علت که از آن‌ها الگو بگیرند و گاه، فقط به این علت که حس کنجکاوی‌شان را ارضا کنند. مسلماً، یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی خصوصی هر فردی فرزندان اوست. از این رو کودکان اشخاص مشهور یکی از خرده‌روایت‌های جذاب از زندگی اشخاص مشهورند و شهرت آن‌ها به خاطر موقعیتی است که در آن قرار گرفته‌اند. توضیح آن‌که، شهرت از طریق دو عامل اصلی به دست می‌آید (Smet, 2010)؛ گاه به خاطر فعالیت‌ها و مهارت‌های برجسته‌ای است که شخص در رشته‌ای تخصصی به دست آورده است، مانند یک ورزشکار یا یک نوازنده. این افراد به خاطر توانایی‌ای که در یک رشته تخصصی دارند مشهور می‌شوند. از این گونه شهرت می‌توان با عنوان شهرت اکتسابی یاد کرد. برخی دیگر اما شهرتشان را وام‌دار ارتباطشان با دیگری‌اند؛ آن‌ها به خاطر تخصص و تلاششان مشهور نشده‌اند، بلکه به این علت شناخته شده‌اند که فرزند یا همسر شخصی مشهورند یا به نوعی با آن‌ها در ارتباط‌اند. این نوع از شهرت را می‌توان شهرت انتسابی نامید (Drake & Miah, 2010, p.49).

در این میان رسانه‌ها، به منظور جذب مخاطب بیشتر و جلب توجه اشخاص، همیشه به دنبال کسب خبر و انتشار اطلاعات از ابعاد گوناگون زندگی اشخاص مشهورند (چه کسانی که شهرتشان اکتسابی است و چه کسانی که شهرتشان انتسابی مثل کودکان اشخاص مشهور است). بر همین اساس، رسانه‌ها میل فراوانی برای انتشار خبر و به ویژه تصویر از کودکان اشخاص مشهور دارند (Marôpo & Jorge, 2014, p.23). به گونه‌ای که رشد شتابان وسایل عکس برداری، توسعه فناوری و ارتباطات و از آن مهم‌تر، گسترش شبکه‌های اجتماعی که امکان ارسال اطلاعات و تصاویر را در کسری از ثانیه شدن می‌کنند، بر اهمیت موضوع افزوده و باعث تسهیل انتشار اطلاعات شده است. (Mirshekari & Ahmadi, 2021, p.13). این رویکرد سبب می‌شود حریم خصوصی کودک شخص مشهور در معرض لطمه و آسیب قرار گیرد. والدین کودک معمولاً در برابر انتشار تصاویر کودکانشان اعتراض می‌کنند و این اقدام را به معنای نقض حریم خصوصی کودک می‌دانند. در مقابل، رسانه‌ها به حق خویش برای بیان آزادانه استناد می‌کنند و اقدام خویش را توجیه‌پذیر می‌دانند. بدین ترتیب، دو حق حریم خصوصی و آزادی بیان در تعارض قرار می‌گیرند. اینک، پرسش اصلی این است که در تعارض میان دو حق یادشده باید جانب کدام یک را گرفت. رسالت اصلی مقاله پیش‌رو پاسخ به همین پرسش است. به این منظور، ما با چهار دیدگاه مواجهیم: یک دیدگاه که تأکید بر مصلحت و حریم خصوصی کودک دارد. در دیدگاه دوم بر حق آزادی بیان تأکید شده است و تحدید آزادی بیان رسانه‌ها را پذیرفتنی نمی‌داند. دیدگاه سوم، دیدگاه تمایز میان حالات مختلف است. در این دیدگاه، بسته به موقعیت‌های مختلف، قائل به تفکیک می‌شوند و در برخی حالات حریم خصوصی و در دیگر حالات، آزادی بیان را مقدم می‌دارند. دیدگاه چهارم نیز به دنبال ایجاد توازن بین این دو حق است و معیارهایی برای برقراری این توازن در اختیار قاضی قرار می‌دهد. در این مقاله به توضیح و بررسی این چهار دیدگاه پرداخته خواهد شد. سپس تلاش خواهد شد رویکرد نظام حقوقی ایران در این خصوص بررسی شود. باین حال، پیش از بررسی دیدگاه‌ها، لازم است مفهوم فناوری‌های نوین و تأثیر آن بر حریم خصوصی اشخاص بررسی شود.

مفهوم رسانه‌های نوین و تأثیر آن بر حریم خصوصی اشخاص

پیشرفت و گسترش رسانه‌ها و تحکیم مبانی دموکراسی لازم و ملزوم یکدیگر شده‌اند. (معتدنزاد، ۱۳۸۶، ص؛ ۱). رسانه را می‌توان مجموع ابزارها و روش‌هایی نیز دانست که برای ارتباط شخصی و جمعی به کار می‌روند (مشیری، ۱۳۷۱، ص؛ ۵۰۲).

مصادیق رسانه در دنیای امروز روزنامه، رادیو، تلویزیون، سایت‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی است. بنا بر یک تقسیم‌بندی، رسانه‌ها به دودسته سنتی و نوین تقسیم می‌شوند. «رسانه‌های سنتی همان رسانه‌های چاپی کتاب و مطبوعات می‌باشد که به عنوان وسیله ارتباط جمعی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. رسانه‌های مدرن یا وسایل ارتباط جمعی جدید که از ابتدای قرن بیستم و بیست‌ویکم مورد استفاده وسیع قرار گرفته‌اند

که مبتنی بر تکنولوژی‌های جدید می‌باشند و در واقع مبتنی بر پیشرفت‌های الکترونیکی جدید می‌باشند، در چهار مقوله کلی تلویزیون، رادیو، اینترنت و ماهواره مورد مطالعه قرار می‌گیرند.» (بی‌پروا، ۱۳۹۷، ص: ۱۸) اینترنت سنگ بنای جامعه اطلاعاتی معاصر و شاکله کلی رسانه‌های مدرنی چون وبگاه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند.

اینترنت شبکه ارتباطی و اطلاعاتی قدرتمندی است که در دهه ۱۹۶۰ به‌عنوان طرح تحقیقاتی نظامی آغاز به کار کرد (روحی و شب‌افروزان، ۱۳۹۶، ص: ۴۱). ویژگی حائز اهمیت اینترنت این است که تمامی اشکال گوناگون ارتباطات یعنی ارتباطات شفاهی، نوشتاری، چاپی و الکترونیک را باهم ترکیب می‌کند. ابتدا اینترنت در اختیار گروه محدودی بود اما رفته‌رفته با گسترش امکانات و حضور شرکت‌های خصوصی ارائه خدمات به عوام فراهم شد.

شبکه‌های اجتماعی مجازی در حال حاضر قوی‌ترین رسانه آنلاین جهان هستند. امروزه شبکه‌های متنوع و متعدد با قابلیت‌های گوناگون وجود دارند. شبکه اجتماعی، ساختاری اجتماعی است و از گروه‌هایی تشکیل شده است که عموماً افراد یا سازمان‌هایی هستند که، با یک یا چند نوع خاص از وابستگی (مسائل مشترکی چون سرگرمی‌ها، بهداشت، تجارت و دوستی) به هم متصل‌اند. (کوثری، ۱۳۹۶، ص: ۳۳۵).

ظهور و گسترش اشکال نوین رسانه باعث شده است که حریم خصوصی اشخاص در مقایسه با رسانه‌های سنتی بیشتر در معرض خطر و آسیب باشد. از طرفی، رشد و توسعه فناوری‌های دیگر، مانند ابزار تصویربرداری و ضبط صوت، حق تصویر و حریم خصوصی اشخاص را بیشتر به مخاطره انداخته است. برای نمونه، در دو قرن اخیر، دوربین عکاسی از وسیله‌ای خاص، تخصصی و کمیاب به یک وسیله‌ای همگانی و معمولی تبدیل شده است. با قرارگرفتن دوربین روی دستگاه‌های تلفن همراه، عملاً دیگر دوربین در اختیار غالب افراد جامعه قرارگرفته است که پتانسیل بالقوه‌ای برای نقض حریم خصوصی ایجاد می‌کند. برای کنترل معایبی مانند نقض حریم خصوصی، نهاد قانونگذار باید در جایگاه تنظیم‌گر به تنظیم ضوابط برای این فناوری‌ها پردازد تا جامعه، ضمن بهره‌مندی از محاسن آن، از معایب آن مصون بماند.

دیدگاه‌های مربوط به حریم خصوصی و آزادی بیان رسانه‌ها

در دورانی که پیشرفت فناوری‌ها موجب تعرض به حقوق شخصیت می‌شود، طرح و تبیین این موضوع با اتکا به تلاش‌های علمی ضروری به‌نظر می‌رسد و به شناسایی حقوقی دو حق حریم خصوصی اشخاص و حق آزادی بیان رسانه در پرتو چهار دیدگاه منجر شده است.

۱. دیدگاه قائل به ترجیح حریم خصوصی و مصلحت کودک

حریم خصوصی، در مشهورترین تعریفی که از آن شده است، حق تنها بودن معرفی شده است (Maralyan, 2012, p.9). حریم خصوصی باکرامت انسانی ارتباطی تنگاتنگ دارد. از این‌رو حق حریم خصوصی از مصادیق مهم حقوق بشر است که در بسیاری از اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق بشر به غیرقابل تعرض بودن آن اشاره شده است (مقامی و عطاران، ۱۳۹۸، ص: ۳۱۲). ماده ۱۲ اعلامیه حقوق بشر، ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در زمینه حریم خصوصی است. حریم خصوصی را بر اساس دو معیار مختلف می‌توان تعریف کرد. در تعریف نخست، حریم خصوصی با توجه به معیار مادی تعریف می‌شود. در این معنا، حریم خصوصی به مکانی گفته می‌شود که در مالکیت شخص قرار دارد، مانند خانه یا خودرو؛ اما در معنای اعتباری، منظور از حریم خصوصی، محدوده‌ای از زندگی شخص است که شخص توقع دارد دیگران بدون اجازه قبلی آن را نقض نکنند. در این معنا، حریم خصوصی به معنای حریم خودمختاری افراد تعریف می‌شود؛ جایی که اشخاص در آن از نفوذ دیگری مصون و مستقل‌اند (Marshall, 2008, p.5) با توجه به همین معیار، قلمرو حریم خصوصی اشخاص گسترده می‌شود و تا حدی به ازدواج، روابط جنسی، پیشگیری از بارداری، فرزندان ناخواسته و روابط خانوادگی گسترش می‌یابد (Lockhart et al., 1975, p.160).

بر اساس بند پ ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷، «حریم خصوصی: قلمرویی از زندگی شخصی فرد است که انتظار دارد دیگران بدون رضایت یا اعلام قبلی وی یا به‌حکم قانون یا مراجع قضایی آن را نقض نکنند؛ از قبیل حریم

جسمانی، وارد شدن، نظاره کردن، شنود و دسترسی اطلاعات شخصی فرد از طریق رایانه، تلفن همراه، نامه، منزل مسکونی، خودرو و آن قسمت از مکان‌های اجاره شده خصوصی نظیر هتل و کشتی، همچنین آنچه حسب قانون فعالیت حرفه‌ای خصوصی هر شخص حقیقی و حقوقی محسوب می‌شود؛ از قبیل اسناد تجاری، اختراعات و اکتشافات.»^۱ بدین ترتیب، ملاک حریم خصوصی انتظار متعارف شخص است؛ یعنی جایی که شخص انتظار دارد دیگران بدون رضایت او وارد آن نشوند، حریم خصوصی است، حتی اگر لزوماً در مالکیت او نباشد. بر اساس همین معیار، در قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیر مجاز می‌کنند، مصوب ۱۳۸۶، عکس برداری از محل‌های اختصاصی بانوان مثل حمام‌ها و استخرها ممنوع اعلام شده است، زیرا انتظار متعارف اشخاص در چنین مکان‌هایی بر این است که کسی بدون اجازه آن‌ها عکس برداری نکند. در نظام حقوقی دیگر کشورها هم حریم خصوصی اشخاص محترم شمرده شده است. برای نمونه، در ایالات متحده، متمم چهارم قانون اساسی از حریم خصوصی اشخاص در هر زمان که شخصی انتظار معقول از حریم خصوصی داشته باشد، در برابر تجسس دولت‌ها محافظت می‌کند (Maralyan, 2012, p.14).

در نتیجه محدوده حریم خصوصی شامل طیف وسیعی از بخش‌های خصوصی افراد مانند سوابق پزشکی، رفتارهای جنسی و اطلاعات شخصی افراد در برابر افشای غیرقانونی و غیرموجه دولت‌ها خواهد شد.

بدین ترتیب، حق بر حریم خصوصی حق اساسی برای همه افراد بشر در نظر گرفته شده است. کودکان نیز، به منظور حفظ کرامت ذاتیشان در جایگاه انسان، از حق بر حریم خصوصی برخوردارند؛ بنابراین، اصولاً کودکان نیز، از این حیث، همچون سایر اشخاص، تابع قواعد عمومی ناظر بر حریم خصوصی هستند. البته باید توجه داشت که قانونگذار به صورت پراکنده از حریم خصوصی بعضی از کودکان در معرض خطر و آسیب‌پذیرتر مانند کودکان بزه‌دیده حمایت کرده است به طوری که در ماده ۱۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و تبصره این ماده افشای اطلاعات و تصاویر کودکان بزه‌دیده و در وضعیت مخاطره‌آمیز ممنوع اعلام شده است. همچنین، ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۴۰۰، در راستای تحقق اهداف قانون یادشده، رعایت حریم خصوصی کودک و نوجوان بزه‌دیده را ضروری دانسته است. اگرچه این ماده، حسب ظاهر، فقط ناظر به کودکان بزه‌دیده یا در وضعیت مخاطره‌آمیز است و لزوماً، ناظر به کودکان اشخاص مشهور نیست، باین حال، حمایت از حریم خصوصی کودکان در مهم‌ترین سند جامع حمایت از حقوق کودکان، یعنی کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، بیان شده است. ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به این کنوانسیون ملحق شد و دادگاه‌ها به موجب ماده ۹ قانون مدنی و اصل ۷۷ قانون اساسی ملزم به رعایت این کنوانسیون‌اند. ماده ۱۶ این کنوانسیون بیان می‌دارد: «۱- در امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتبات هیچ کودکی نمی‌توان خودسرانه یا غیرقانونی دخالت کرد یا هتک حرمت نمود. ۲- کودک در برابر این مداخلات و یا هتک حرمت‌ها، مورد حمایت قانون قرار دارد.» با توجه به این ماده، یکی از مصادیق مداخله اشخاص ثالث در حریم خصوصی کودکان را می‌توان دخالت جامعه و رسانه‌ها در حریم خصوصی کودکان اشخاص مشهور دانست (شجاع سنگچولی، ۱۳۹۹، ص ۸). اینک، پرسش این است: در تعارض میان رعایت حریم خصوصی کودک شخص مشهور و حق آزادی بیان رسانه‌ها، کدامیک ترجیح دارد؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است از سایر مواد کنوانسیون حقوق کودک و اعلامیه حقوق کودک نیز کمک گرفت. در بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک آمده است: «۱- در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی، دادگاه‌ها، مقامات اجرائی، یا ارگان‌های حقوقی انجام می‌شود، منافع کودک از اهم ملاحظات می‌باشد» و همین‌طور اصل ۲ اعلامیه حقوق کودک نیز بیان می‌دارد: «کودک باید از حمایت ویژه برخوردار شود و امکانات و وسایل ضروری جهت پرورش بدنی، فکری، اخلاقی و اجتماعی وی به نحوی سالم و طبیعی و در محیطی آزاد و محترم توسط قانون یا مراجع ذی‌ربط در اختیار

۱. گفتنی است تعریف مذکور در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر محدودتر از تعریف یادشده در متن است. بر اساس تبصره ماده ۵ قانون مزبور، «اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست.» در این معنا، هم از لحاظ مفهومی و هم مصداقی محدود است؛ زیرا حریم خصوصی محدود به معنای مادی و فیزیکی شده و شامل حریم اطلاعاتی و ارتباطی نمی‌شود. به علاوه، بسیاری از اماکن مانند بالکن خانه بر اساس تعریف اخیر، مشمول عنوان حریم خصوصی نمی‌شود، در حالی که در این مکان نیز، شخص انتظار دارد تا کسی بدون اجازه حریم وی را نقض نکند.

وی قرار گیرد و در وضع قوانینی بدین منظور منافع کودکان باید بالاترین اولویت را داشته باشد». با توجه به این مواد، در تزامن بین حریم خصوصی کودک و سایر حقوق از جمله آزادی بیان رسانه‌ها، رعایت مصلحت طفل و منفعت او در اولویت قرار دارد و توجه به آن ضروری است؛ زیرا مصلحت و منافع طفل به مثابه چتری بر تمامی حقوق او کشیده شده است. توضیح آن که مصلحت کودک به معنای رعایت همه عناصری است که برای تصمیم‌گیری در موقعیتی مشخص برای یک کودک مشخص یا گروه مشخصی از کودکان ضروری است (روشن و حمدی، ۱۳۹۸، ص ۱۷). دیدگاه‌ها و آرزوهای کودک، مراقبت و نگهداری از کودک، رفاه او، محیط خانوادگی کودک، آسیب‌پذیری کودک، انعطاف‌پذیری و توانمندی کودک، بالندگی کودک، گذار تدریجی او به بزرگسالی و زندگی مستقل از مصادیق عناصر مصلحت کودک به حساب می‌آیند که در هر شرایطی باید متناسب با این موارد، بهترین تصمیم را برای کودک گرفت. به بیان دیگر، پاسداشت هر امری که باعث پیشرفت و تکامل انسان نابالغ به انسان بالغ شود به معنای رعایت مصلحت کودک است و هر چیزی که موجب خلل در این روند طبیعی و حرکت جوهری شود مصداق عدم رعایت مصلحت است (روشن و حمدی، ۱۳۹۸، ص ۲۵). در همین راستا، رعایت حریم خصوصی کودک به معنای پاسداشت مصلحت او خواهد بود، زیرا نقض حریم خصوصی کودک ممکن است بر شخصیت و روند شکل‌گیری هویت کودک و اعتماد به نفس و عزت نفس او تأثیر منفی بگذارد و همین‌طور، او را از برخی از آزادی‌ها و انتخاب‌ها در آینده محروم کند و به نوعی حق تعیین سرنوشت کودک را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین ممکن است آسیب‌های روانی و اجتماعی متعددی برای کودک به همراه داشته باشد و بر روابط بین فردی کودکان تأثیر گذارد؛ بنابراین، در مقام حل تزامن بین حق آزادی بیان رسانه‌ها و حق حریم خصوصی کودک و در راستای تأمین مصلحت و منفعت وی، حفظ حریم خصوصی کودک در صورت ضروری است. هر اندازه بر حق آزادی بیان رسانه‌ها و اهمیت آن‌ها تأکید شود، نباید این آزادی در تعارض با منافع عالیة کودک قرار گیرد. بر همین اساس، وقتی موضوع به نقض حریم خصوصی کودکان اشخاص مشهور برمی‌گردد نباید رویکرد متفاوتی اتخاذ کرد. به بیان دیگر، وقتی پای حریم خصوصی کودکان در میان است، صرف نظر از این که موقعیت اجتماعی والدین آن‌ها چگونه است، نباید در حمایت از آن‌ها تردید کرد (Robinson, 2014, p.560). زیرا در پرتو اصل برابری، نباید کودکان اشخاص مشهور را از کودکان افراد عادی متمایز کرد و دسته نخست را از حق حریم خصوصی معاف یا مستثنا نمود؛ آن‌هم فقط به این علت که والدین آن‌ها مشهورند. همه کودکان حق دارند از حریم خصوصیشان صرف نظر از وضعیت اجتماعی والدین خود محافظت کنند (Hong, 2016, p.1). بنابراین، اخبار کودکان اشخاص مشهور نباید به صورت مطلق و آزادانه توسط رسانه‌ها منتشر شود، بلکه حق آزادی بیان رسانه‌ها باید در راستای حفظ مصلحت کودکان به صورت مضیق تفسیر شود.

۲. دیدگاه قائل به ترجیح حق آزادی بیان رسانه‌ها

این دیدگاه تا حدود زیادی با آنچه در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا وجود دارد تطابق دارد. در این دیدگاه، اصل بر آزادی بیان و آزادی انتشار اطلاعات گذاشته می‌شود، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۶). این دیدگاه اصل را بر حمایت از رسانه‌ها می‌گذارد و چنانچه دلیلی بر نفع عمومی انتشار اطلاعات خصوصی اشخاص مشهور یا کودکان آنان وجود داشته باشد، به حمایت از حق آزادی بیان رسانه‌ها می‌پردازد. رسانه‌ها، با توجه به این که انتشار تصویر کودکان اشخاص مشهور برای آن‌ها مخاطب فراوانی جلب می‌کند، بر این باورند که حریم خصوصی این دسته از کودکان محدودتر از دیگر کودکان است. آن‌ها در توجیه اقدامشان در کسب و انتشار اخبار کودکان به دلایل متعددی استناد می‌کنند (Cohen-almanger, 2003, p.2). در این دیدگاه، دلایل گوناگون رسانه‌ها برای انتشار اطلاعات خصوصی توجیه‌پذیر دانسته می‌شود. از جمله این دلایل، نقد دورویی کسانی است که چهره واقعیشان در تضاد با اظهارات بیرونی آن‌ها است. اگر مشخص شود چهره‌های عمومی، که به علت موعظه درباره ارزش‌های خانواده و نجابت و صداقت در ازدواج مورد احترام مردم قرار گرفته است، به همسر نخستش خیانت کرده است و از این خیانت فرزند دیگری دارد، رسانه‌ها حق دارند، با انتشار تصویر این فرزند، این خبر را پوشش دهند و توجه عموم را به آن جلب کنند؛ زیرا مردم حق دارند آگاه شوند چنین شخصی که درباره ارزش‌های خانواده صحبت می‌کند این ارزش‌ها را در خانواده

خودش رعایت نمی‌کند (Cohen-almanger, 2003, p.6). با این حال، سخن بر سر این است که آیا اطلاع‌رسانی درباره این مسئله شخص مشهور از طریق به‌جز انتشار تصویر کودک وی شدنی نیست؟ به بیان دیگر، آیا بهتر نیست که رسانه از طریق دیگری توجه عموم را به آنچه می‌خواهد درباره شخص مشهور بگوید جلب کند؟ آیا این اتفاق لزوماً باید از طریق نقض حریم خصوصی کودک صورت پذیرد؟ همچنین، گفته می‌شود که اشخاص مشهور خود خواسته‌اند مشهور شوند و در قبال شهرت خویش، کسب منفعت کنند. برای همین، باید آثار و لوازم منطقی شهرتشان را بپذیرند، از جمله این که حریم خصوصیشان محدودتر از افراد عادی شود. در همین مسیر، به موضوع دادوستد رسانه‌های نیز استناد می‌شود. با نگاهی اجمالی به رسانه‌ها، به آسانی متوجه می‌شویم که افراد مشهوری که زندگی خصوصی خانوادگی‌شان را به نمایش می‌گذارند تا شهرت و محبوبیت بیشتری کسب کنند کم نیستند. بر همین اساس، گفته شده است که وقتی اشخاص مشهور بخشی از زندگی خصوصی خود را برای شهرت و محبوبیت بیشتر در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهند، حق ندارند در برابر انتشار بخش‌های دیگر مقاومت کنند. به طوری که وقتی افراد مشهور، خود خبر ازدواجشان را منتشر می‌کنند و در برنامه‌های تلویزیونی متعددی ظاهر می‌شوند و در خصوص زندگی مشترک موفق خود صحبت می‌کنند، نباید توقع داشته باشند که رسانه‌ها درباره طلاقشان سکوت کنند و این خبر را منتشر نکنند (مقامی و عطاران، ۱۳۹۸، ص ۳۱۸) یا از کودکان آن‌ها چیزی نگویند. به این ترتیب، این دلیل می‌خواهد با انتساب شهرت به اراده خود شخص مشهور، عوارض آن را هم به پای خود شخص بنویسد. به بیان دیگر، می‌خواهد نشان دهد که شخص مشهور، در مسیر کسب شهرت، از حریم خصوصی خویش اعراض کرده است. با این حال، حقیقت این است که شهرت همیشه خودخواسته و ارادی به وجود نمی‌آید، بلکه در بعضی موارد به صورت غیرارادی و در حالی که برای تحقق آن برنامه‌ای از پیش وجود ندارد به وجود می‌آید. به علاوه، حتی اگر شهرت به صورت ارادی به دست آمده باشد، باز هم این اراده نباید بر اشخاص ثالث، یعنی فرزندان اشخاص مشهور، اثری داشته باشد. در واقع، فرزندان افراد مشهور شهرت را داوطلبانه انتخاب نکرده‌اند و حق دارند مانند همه مردم عادی از حریم خصوصی برخوردار باشند (مقامی و عطاران، ۱۳۹۸، ص ۳۲۰).

توجیه دیگر، تأکید بر الگو بودن اشخاص مشهور است. گفته می‌شود که چهره‌های عمومی نقش الگوارا در جامعه بازی می‌کنند. در نتیجه رسانه‌ها این حق را دارند که به جزئیات بیشتری از زندگی آن‌ها بپردازند و نشان دهند که آن‌ها در تربیت کودکان چگونه عمل می‌کنند (Whittle & Cooper, 2009, p.15). برای نمونه، در دعوی بکهام علیه گیسون، پرستار سابق فرزندان بکهام متهم به نقض مفاد قرارداد خود در مورد منتشر نکردن مسائل خصوصی این زوج بود. قاضی به نفع پرستار رأی داد؛ به این دلیل که این موضوعات مورد علاقه عموم مردم است و زوج بکهام قصد خوب جلوه دادن ازدواج خود را دارند (kenyon & Maline, 2005, pp.20-21). به هر روی، رسانه‌ها به حق آزادی بیان خود و حق مخاطبان‌شان برای دانستن استناد می‌کنند: مردم حق دارند بدانند در پیرامونشان چه می‌گذرد، رسانه‌ها نیز، در مسیر این حق، اخباری را جمع‌آوری و منتشر می‌کنند. آن‌ها به این دلیل که اطلاع‌رسانی‌شان در راستای منافع عمومی جامعه است استناد می‌کنند و با توجه به اهمیت منافع عمومی بر منافع خصوصی اشخاص مشهور، پافشاری بر حق حریم خصوصی اشخاص مشهور و کودکان‌شان را نادرست می‌دانند (Maropo & Jorge, 2014, p.23). دادگاه‌ها در آمریکا، معمولاً بر اساس همین استدلال، چندان از اشخاص مشهور در برابر تجسس رسانه‌ها حمایت نمی‌کنند، مگر جایی که رسانه در مقام جمع‌آوری خبر اصول اخلاقی را نقض کرده باشد. ماده ۵ اعلامیه آمریکایی حقوق و وظایف بشر تأکید می‌کند که هرکس حق دارد از حمایت قانون در برابر حملات توهین‌آمیز به عزت، شهرت و زندگی خصوصی و خانوادگی خود بهره‌مند شود. در ایالات متحده آمریکا حق آزادی مطبوعات بر حق حریم خصوصی ترجیح دارد، زیرا حق آزادی بیان از اساسی‌ترین حقوق تضمین شده در قانون اساسی ایالات متحده است (Maralyan, 2012, p.21). دیوان عالی آمریکا بر این نظر بود که واداشتن رسانه به تضمین دقت و صحت آنچه منتشر می‌سازد ممکن است به خودسانسوری منجر شود. برای همین و در راستای اصلاحیه اول قانون اساسی آمریکا، ضروری است برای حمایت از بیان برخی واقعیات از برخی سخنان دروغ حمایت شود (اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۴۳۴). بدین ترتیب، حریم خصوصی در ایالات متحده حمایتی

به مراتب کمتر از آنچه آزادی بیان از آن برخوردار است دریافت می‌کند (زندى، ۱۳۸۹، ص ۲۰۱). در این مسیر، وقتی اخبار مربوط به اشخاص مشهور دارای ارزش خبری است، دادگاه‌ها به نفع عمومی مشروع استناد می‌کنند.^۱

۳. دیدگاه قائل به تمایز

در دو بند پیشین، دورویکرد ترجیح حریم خصوصی و مصلحت طفل و رویکرد ترجیح آزادی بیان بررسی شد. این درحالی است که برخی از حقوق‌دانان، به‌طورکلی و در همه حالت‌ها، حریم خصوصی یا آزادی بیان را ترجیح نمی‌دهند، بلکه بسته به نوع شهرت شخص و یا با توجه به عمومی یا خصوصی بودن مکانی که شخص در آن مستقر است، برای برخورداری اشخاص مشهور از حق حریم خصوصی قائل به تفکیک می‌شوند. بنابراین در این دیدگاه در دو قسمت جداگانه، بر اساس معیارهای بیان‌شده برای تفکیک، حریم خصوصی کودکان اشخاص مشهور بررسی می‌شود.

۳-۱. دیدگاه قائل به تمایز میان اشخاص مشهور

در مقام جمع میان حق رسانه‌ها برای بیان آزادانه با حریم خصوصی کودکان اشخاص مشهور، برخی از نویسندگان میان مصادیق اشخاص مشهور قائل به تفکیک شده‌اند. اینان اعتقاد دارند باید میان کودکان اشخاص مشهور سیاسی با غیرسیاسی تمایز نهاد. این گروه اعتقاد دارند که اشخاص مشهور سیاسی حریم خصوصی محدودتری نسبت به افراد غیرسیاسی دارند. در توجیه این تفکیک گفته می‌شود که اگر افشای اطلاعات مرتبط با حریم خصوصی سیاستمداران نشان دهد که سیاستمداران توانایی انجام وظایفشان را ندارند یا تواناییشان در خطر افتاده، این افشا در راستای منافع عمومی جامعه است و نباید رسانه‌ها را از انتشار چنین اطلاعاتی منع کرد (Yanisky-Ravid & Lahav, 2017, p.1001). به‌علاوه، از مقامات سیاسی انتظار می‌رود هنجارهای خاصی را در زندگی خصوصی خود رعایت کنند تا بتوانند در جایگاه رهبری در محیط کار و از منظر مردم خود پذیرفته شوند. کسی که قرار است اداره امور جامعه را برعهده گیرد باید هم در زندگی کاری و هم در زندگی شخصی خود الگو باشد. از این رو، انتشار عکس فرزند سیاستمدار، اگر نشان دهد که او به‌درستی در تربیت فرزند خویش عمل نکرده، مجاز است؛ زیرا نشان می‌دهد او در تربیت فرزند خویش نتوانسته موفق باشد، بنابراین در اداره جامعه نیز، همین ضعف وجود خواهد داشت (Marop & Jorge, 2014, p.28). بر اساس این دیدگاه، استانداردهای متفاوتی بر اشخاص مشهور سیاسی حاکم است و برخلاف شخصیت‌های غیرسیاسی، مقامات دولتی و سیاسی از حق حریم خصوصی کمتری برخوردارند، زیرا همان‌طور که در کنوانسیون حقوق بشر اروپا ذکر شده است، «تحمیل دیدگاه‌های مختلف» یک قسمت اساسی از نظام سیاسی دموکراتیک است. سیاستمداران موظف‌اند انتقاد از جامعه را حتی اگر حمله‌ای تند باشد و برخی عناصر افتر را داشته باشد، به‌خاطر منافع دموکراتیک تحمل کنند (Maralyan, 2012, p.18). براین اساس، اشخاص مشهور غیرسیاسی از حریم خصوصی بیشتری برخوردارند، چنان‌که برخی دخالت در حریم خصوصی کودکان اشخاص مشهور غیرسیاسی را نقض حق حریم خصوصی و زندگی خانوادگی می‌دانند و ادعا می‌کنند که زندگی خصوصی این افراد ارتباطی به زندگی شغلی و اجتماعیشان ندارد. در همین مسیر، برخی بر این باورند که اطلاعات مربوط به این دسته از افراد از نظر منافع عمومی بی‌ارزش است، زیرا آگاهی از آن منفعتی برای جامعه ندارد (استندلی، ۱۳۹۱، ص ۵۸). در نتیجه منفعت عمومی که عامل توجیه‌کننده در انتشار اطلاعات خصوصی اشخاص مشهور سیاسی بود، درخصوص اشخاص مشهور غیرسیاسی مفقود است. از این رو تحت تعقیب قراردادن شخصی که در یوتیوب و اینستاگرام حواشی غالباً بی‌اساس درباره بازیگران و هنرمندان منتشر می‌سازد، موجه و منطقی به نظر می‌رسد.

۲-۳. تمایز بر اساس عمومی یا خصوصی بودن مکان

منظور از مکان عمومی مکانی است که هرکسی می‌تواند بدون نیاز به اخذ رضایت یا مجوز خاص به آن دسترسی داشته باشد؛ مانند پارک‌ها و خیابان‌ها. طبیعی است هر مکان عمومی ممکن است از حیث شرایطی خاص محدودیت‌هایی داشته باشد، اما این شرایط مانع عمومی محسوب‌شدن آن نخواهد بود (Levasseur, 1994, p.6). پرسش این است که آیا می‌توان از اشخاص مشهور و کودکان آنان در فضای عمومی عکس گرفت یا خیر؟ نظام‌های حقوقی در مواجهه با تصویربرداری از افراد بر اساس عمومی و خصوصی بودن مکان قوانین مختلفی دارند. در برخی از نظام‌های حقوقی عکاسی از اشخاص اعم از کودکان در مکان عمومی با مانع قانونی مواجه نیست. در این نظام‌های حقوقی، گفته می‌شود که اگر کودکی در مکانی عمومی حضور یابد برای تصویربرداری از او نیاز به اجازه والدین و سرپرست او نیست. در این خصوص، برخی تحدید حریم خصوصی اشخاص در مکان عمومی را توجیه‌پذیر می‌دانند، زیرا حضور شخص در مکان عمومی به منزله رضایت ضمنی اوست و کسب رضایت از همه افرادی که در مکانی عمومی هستند بسیار دشوار است و عکاس موظف نیست برای گرفتن عکس در مکان عمومی از اشخاص رضایت بگیرد (Korkeamäki, 2003, p.105). بر همین مبنا، شخص باید از نظر لوازم زندگی اجتماعی و ضرورت‌های زندگی جمعی بپذیرد که ممکن است از وی در مکانی عمومی تصاویری گرفته شود بی‌آنکه نیازی به رضایت وی باشد (میرشکاری، ۱۳۹۷، ص ۴۵۶). برای مثال بر اساس قوانین انگلستان، تصویربرداری از اشخاص اعم از زن و مرد و کودک در مکان عمومی قانونی است و نیازی به اخذ رضایت اشخاص و در مورد کودکان، رضایت والدینشان نیست. باین‌حال، وفق قانون محافظت از کودکان ۱۹۸۷ انگلستان^۱، تنها ممنوعیتی که وجود دارد گرفتن تصاویر نامناسب از کودکان چه در مکان عمومی و چه در جای دیگر است.

بدین ترتیب، بر اساس این دیدگاه، اگر کودکان شخص مشهور در مکان عمومی باشند، می‌توان از آن‌ها عکس گرفت و منتشر کرد، اما اگر در مکان خصوصی قرار داشته باشند، عکس‌برداری از آن‌ها ممنوع خواهد بود. باین‌حال، حقیقت این است که اعتبار این دیدگاه قابل تردید است، زیرا حضور داوطلبانه در عموم لزوماً به معنای رضایت داوطلبانه به تحدید حقوق و آزادی‌های شخص نیست. افزون بر این‌ها، درست است که در مکان عمومی ممنوعیتی برای «دیدن» وجود ندارد، اما دیدن یک صحنه با عکس‌برداری و ضبط آن کاملاً متفاوت است. زمانی که از یک شخص و از یک واقعه تصویربرداری شود این تصویر باقی می‌ماند، درحالی‌که مشاهده ناپایدار است.

جدا از این‌ها، همان‌گونه که پیش‌ازاین گفته شد، منظور از حریم خصوصی محدوده‌ای از زندگی شخص است که شخص توقع ندارد دیگران بدون اجازه قبلی آن را نقض کنند. با توجه به این تعریف، شخص می‌تواند در مکان عمومی نیز، حریم خصوصی داشته باشد. درواقع، ملاک حریم خصوصی انتظار متعارف شخص است؛ یعنی جایی که شخص انتظار دارد دیگران بدون رضایت او وارد آن نشوند، حریم خصوصی است، حتی اگر لزوماً در مالکیت او نباشد. بر این اساس، این نظر که در هر صورت اشخاص را در مکان عمومی فاقد حریم خصوصی می‌داند موجه به نظر نمی‌رسد. ازاین‌رو نمی‌توان حریم خصوصی هیچ شخصی را به‌صرف این‌که در مکان عمومی قرار دارد، نقض کرد (میرشکاری، ۱۳۹۷، ص ۴۵۸). به‌خصوص آن‌که کودکان، صرف‌نظر از آن‌که والدینشان مشهور باشند یا نباشند، به این علت که امکان سوءاستفاده‌های بیشتری از قبیل سوءاستفاده تجاری از تصاویرشان وجود دارد، وضعیتشان متفاوت است و در این زمینه باید حریم خصوصی بیشتری داشته باشند. در تأیید این سخن می‌توان اشاره کرد به پاپاراتزی‌ها^۲ که همیشه در کمین‌اند تا از اشخاص مشهور و خانواده‌هایشان در همه‌جا به‌ویژه در مکان‌های عمومی عکس بگیرند و از طریق فروش این تصاویر درآمد کسب کنند. در نتیجه تصویربرداری از کودکان اشخاص مشهور در مکان عمومی نیز با محدودیت مواجه است و نمی‌توان به استناد عمومی بودن مکان از این کودکان تصویربرداری کرد.

1. Section 1(1) of the protection of children act 1978
2. PAPARAZZI

۴. نظریه توازن

نظریه توازن کوششی است در پاسخ به این سؤال که در تعارض بین حریم خصوصی کودکان اشخاص مشهور و حق آزادی بیان کدام یک رجحان دارد؟ به بیان دیگر برای حل تعارض میان حریم خصوصی کودکان و مصلحت ایشان و حقوق جامعه چه باید کرد؟ در این نظریه، تلاش می‌شود راه حل میانه‌ای انتخاب شود. نظریه توازن، راه حل اعتدالی و میانه‌رو است که در حد وسط دو نظریه افراطی حاکمیت حقوق خصوصی بر مصلحت اجتماعی (ترجیح حریم خصوصی بر آزادی بیان) و نظریه تقدم مصلحت اجتماعی بر حقوق خصوصی اشخاص (ترجیح آزادی بیان بر حریم خصوصی) قرار می‌گیرد (بیات کمیتی و بالوی، ۱۳۹۶، ص ۳۲۲). وجه تسمیه نظریه توازن این است که این نظریه قصد دارد نوعی توازن میان حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد و مصالح اجتماعی جامعه برقرار سازد (بیات کمیتی و بالوی، ۱۳۹۶، ص ۳۲۲).

بر اساس همین دیدگاه، نظام‌های حقوقی تلاش کرده‌اند، با ایجاد توازن میان این دو حق، از نقض هر یک جلوگیری کنند. در اروپا، وفق ماده ۸ و ۱۰ کنوانسیون حقوق بشر اروپا، هر دو حق حریم خصوصی و آزادی بیان محترم شمرده شده است که در ظاهر ممکن است با یکدیگر مغایرت داشته باشند اما، از آنجا که دیوان حقوق بشر اروپا اعلام می‌دارد که اصل بر برابری همه حقوق است، ایجاد الگویی که بتوان توازن میان حق حریم خصوصی و حق آزادی بیان را بر آن بنا نهاد ضروری است. قدیمی‌ترین و کلیدی‌ترین مؤلفه‌ای که دیوان عالی اروپایی برای رفع تعارض و برقراری توازن میان این دو حق بیان می‌دارد معیار منفعت عمومی و اجتماعی است. منظور از منفعت عمومی آن چیزی است که افراد هر جامعه به طور قانونی و مشروع حق دارند بدانند، به طوری که انتشار آن اطلاعات در ایجاد تصمیمات سرنوشت‌ساز جامعه مؤثر باشد. بدین ترتیب، معیار برای برقراری تعادل منفعت عمومی است. در نتیجه، زمانی که در انتشار خبر یا عکس نفع عمومی برای جامعه وجود داشته باشد و از لحاظ قانونی مردم حق دانستن داشته باشند، انتشار آن نقض حریم خصوصی محسوب نمی‌شود (ReveL, 2015, p.6).

برای نمونه می‌توان اشاره کرد به مقام کلیدی و حساسی چون نخست‌وزیر که به وسیله نقشی که در قانون برای او تعریف شده است تأثیر گسترده‌ای بر روی هر شهروند دارد؛ بنابراین هرگونه انتشار اطلاعات از جمله فرزندان، همسر، عادات، تعطیلات و چگونگی رفتار او با فرزندان، در جایگاه و نقش مهم سیاسی او در جامعه و داشتن بیشترین قدرت و اختیارات، اهمیت بسیاری برای عموم دارد. بدین ترتیب، انتشار تصاویر و اطلاعات فرزندان مقام بلندپایه سیاسی چون نخست‌وزیر با قاعده منفعت عمومی توجیه می‌شود (Yanisky-Ravid & Lahav, 2017, p.100). مثال جالب توجه دیگر در خصوص ایجاد تعادل میان این دو حق اطلاع‌داشتن از گرایش جنسی دو سیاست‌مدار است که هم‌جنس‌گرا هستند و باهم ارتباط دارند. هرچند این موضوع مرتبط با حریم خصوصی است، بازم جزو منافع عمومی محسوب می‌شود و در تصمیمات سرنوشت‌ساز عموم تأثیرگذار است. در آلمان نیز حتماً باید حق شخص نسبت به تصویرش در مقابل حق عموم برای آگاهی‌یافتن بررسی شود (kruger, 1982, p.12). یا در حقوق ایتالیا با در نظر گرفتن حق انتشار تصاویر سعی در ایجاد توازن میان حریم خصوصی و آزادی بیان شده است و بر همین اساس، وقتی انتشار عکس شخص به شرافت و شهرت وی آسیب می‌زند تصویر نباید به نمایش گذاشته یا فروخته شود.^۱ در نتیجه وجه بسیار مهمی که این معیار را توجیه می‌کند سود و منفعتی است که باید برای اجتماع لحاظ شود و پاسخ به این پرسش که آیا انتشار این اطلاعات برای افراد جامعه ضروری است یا خیر (Yanisky-Ravid & Lahav, 2017, p.1001). انتشار تصاویری از بوریس جانسون و خانواده‌اش در مهمانی برگزار شده در زمان محدودیت‌های کرونایی را می‌توان نمونه‌ای از انتشار اخبار مفید برای جامعه دانست. با توجه به مطالب گفته شده، به نظر می‌رسد برای یافتن این پرسش مطابق با تئوری توازن باید دید آیا انتشار تصویر و اطلاعات کودک شخص مشهور نفعی برای جامعه دارد یا خیر؟ آنچه قانونین این نظریه بدان معتقدند این است که ما نباید به دنبال وضع یک قاعده ثابت و غیرقابل تغییر از طریق تقنین باشیم، بلکه با ارائه معیارها و ضوابط مشخص به محاکم و انتشاردهندگان اطلاعات (مانند روزنامه‌نگاران و عکاسان) این اختیار را بدهیم که در هر مورد با انطباق ضوابط و معیارها بر مورد خاص متوجه شوند که آیا مجاز به انتشار اطلاعات هستند یا خیر (Yanisky-Ravid & Lahav, 2007, p.1001). با توجه به آنچه گفته شد، در هر مورد برقراری توازن میان این دو حق متفاوت است.

1. Court of Rome, 12 Mar. 2004

برای نمونه در پرونده کاترینا و ماریاکان، فرزندان فوتبالیست مشهور آلمانی، دادگاه بدوی مجله را به علت انتشار بدون رضایت عکس‌های خواهان‌ها محکوم به پرداخت غرامت کرد. استدلال دادگاه بدوی این بود که طبق اصل اول و دوم قانون اساسی آلمان، حق خواهان‌ها در خصوص حمایت از حقوق شخصیتشان مورد نقض جدی قرار گرفته است، زیرا همه عکس‌ها خواهان‌ها را در موقعیت‌هایی نشان می‌دهد که در مکان عمومی از دخالت اشخاص ثالث محافظت می‌شد و به نوعی در مکان خصوصی بوده‌اند؛ اما دادگاه تجدیدنظر رأی دادگاه بدوی برای پرداخت غرامت به خواهان‌ها را به علت انتشار بدون رضایت آن‌ها لغو کرد. استدلال دادگاه تجدیدنظر این بود که ماهیت عکس‌ها شطرنجی بوده است. اگرچه انتشار عکس‌ها حق تصویر خواهان را نقض کرده است، اما این مداخله به اندازه کافی جدی نبوده است که بخواهد ضرورت پرداخت غرامت مالی را توجیه کند و حریم خصوصی طفل را خدشه‌دار کند.^۱ در آن پرونده، مجله منتشرکننده تصاویر کودکان مذکور، برای برقراری توازن میان حریم خصوصی کودک فوتبالیست مشهور و آزادی بیان، تصاویر اطفال را به صورت شطرنجی منتشر کرده بود.

بدین ترتیب، قانونی به این نظریه، با در نظر گرفتن ملاک‌های مختلف و متناسب با هر پرونده از جمله منفعت عمومی، ضرورت انتشار اخبار و اطلاعات کودکان و واضح یا غیر واضح بودن تصاویر و ... که در هر مورد جداگانه نیازمند بررسی است، می‌کوشند تا توازن را میان حق اشخاص بر حریم خصوصی و حق آزادی بیان جامعه اعمال کنند.

رویکرد نظام حقوقی ایران درباره حریم خصوصی کودکان اشخاص مشهور

در نظام حقوقی ایران، بر مبنای اصل ۲۴ قانون اساسی حق آزادی بیان پذیرفته شده است. در این اصل، چنین می‌خوانیم: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» در این راستا، مطابق ماده ۲ قانون مطبوعات، روشن ساختن افکار عمومی و افزایش معلومات و دانش مردم از وظایف مطبوعات بر شمرده شده است. ماده ۵ قانون مطبوعات نیز، کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه را حق قانونی مطبوعات می‌داند. در کنار این‌ها، حریم خصوصی کودکان نیز در نصوص قانونی پذیرفته شده است. به موجب اصل ۲۲ قانون اساسی، «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». طبیعتاً، با توجه به اطلاق این اصل، کودکان نیز مشمول آن می‌شوند. افزون‌براین، به موجب ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ که ایران نیز، به آن پیوسته است: «۱- در امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتبات هیچ کودکی نمی‌توان خودسرانه یا غیرقانونی دخالت کرد یا هتک حرمت نمود. ۲- کودک در برابر این مداخلات و یا هتک حرمت‌ها، مورد حمایت قانون قرار دارد.» در همین راستا، بر اساس ماده ۶ قانون مطبوعات، «نشریات جز در موارد اخلاص به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند، آزادند». در نتیجه انتشار اطلاعات نباید مخل حقوق خصوصی اشخاص شود. برای نمونه، در بند ۱۰ ماده ۶ این قانون استفاده ابزاری از تصاویر افراد در تبلیغات تجاری ممنوع دانسته شده است، زیرا استفاده ابزاری از اشخاص تعرض به حقوق ایشان است. مثلاً ممکن است از تصویر کودک شخص مشهوری برای تبلیغات محصولات مرتبط با کودکان استفاده شود یا تصویر کودک شخص مشهور برای فروش بیشتر مجله به کار برده شود که این مورد را می‌توان علاوه بر نقض حریم خصوصی کودک وفق بندهای ت و ث قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ مصداق «بهره‌کشی اقتصادی از کودکان» دانست.

بدین ترتیب، در هر دو سوی ماجرا، پشتوانه‌های قانونی لازم وجود دارد: هم آزادی بیان، مورد احترام قانون‌گذار است و هم حریم خصوصی اشخاص. از این رو، باید دید که در صورت تراحم میان این دو، کدام یک ترجیح دارد: در میان قوانین داخلی هیچ‌یک صراحتاً به رفع این تراحم نپرداخته‌اند. به عبارت دیگر، قانون، به منزله مهم‌ترین منبع حقوق، حکم صریحی در خصوص رفع تراحم میان این دو حق ندارد. در ادبیات حقوقی نیز، کمتر به این تراحم پرداخته شده است. در پژوهشی، اصل بر لزوم حفظ حریم خصوصی اشخاص گذاشته شده است و مجاز بودن رسانه به انتشار اطلاعات استثنای دانسته شده است. در این پاسخ، به قدرت رسانه‌ها و لزوم دفاع از شهروندان در برابر ابررسانه‌ها استناد شده است (ذاکریان

1. KAHN V GERMANY Application No 16313/10 European Court of Human Rights, 17 March 2016

و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۲۰). در خصوص این دیدگاه، می‌توان گفت که اگرچه حق بر حریم خصوصی مطابق اصل ۲۲ قانون اساسی و ماده ۳۶ قانون حقوق شهروندی برای اشخاص محترم شمرده شده است، با این حال، تأکید کامل بر اجرای تام و تمام یک حق (حریم خصوصی) سبب لطمه به منافع جامعه می‌شود. به‌ویژه آن‌که حریم خصوصی حق است اما مانند هر حق دیگری، نمی‌توان از آن سوءاستفاده کرد. بر این امر در اصل ۴۰ قانون اساسی تأکید شده است: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.» بدین ترتیب، باید گفت که هرچند حق حریم خصوصی اشخاص حق محترم و مهمی است ولی اشخاص نمی‌توانند با استناد به این حق باعث ورود ضرر به منافع عمومی شوند. در نتیجه، می‌توان گفت منفعت عمومی به قدری مهم است که حریم خصوصی اشخاص مشهور و فرزندانشان باید قربانی منفعت عمومی شود (ذاکریان و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۳۶).

در نظام قانون‌گذاری ایران نیز، عمدتاً منفعت عمومی بر حقوق خصوصی اشخاص ترجیح داده شده است. چنان‌که در قوانین ایران می‌توان مصادیقی را یافت که مقنن، برای دستیابی به نفع عمومی، حق حریم خصوصی را نقض کرده است، برای نمونه، ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی را موکول به اجازه دولت کرده است. در «آیین‌نامهٔ زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانهٔ غیرایرانی» مصوب ۱۳۴۵، به دولت اختیار داده شده است که برای تصمیم‌گیری در خصوص اجازهٔ ازدواج موضوع ماده ۱۰۶۰ به برخی از جنبه‌هایی از حریم خصوصی اشخاص، رجوع کند. در اینجا برخی مصالح باعث شده است که مقنن اجازهٔ تجسس در حریم خصوصی را صادر کند (پرستش و موسوی‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۶۶). همچنین، طبق ماده ۱۲۲۶ قانون مدنی، نام اشخاصی که بعد از کبر و رشد به علت جنون یا سفه محجور می‌شوند باید در دفتر مخصوصی ثبت شود که مراجعه به این دفتر برای عموم آزاد است. طبق ماده ۱۲۲۵ قانون مدنی نیز، مدعی‌العموم مکلف است حجر افرادی را که ممکن است طرف معاملات بالنسبه عمده قرار گیرند اعلام کند. در این دو ماده نیز، مشاهده می‌شود نفع عمومی مجوز افشای اطلاعات خصوصی اشخاص (بیماری‌های روانی) شده است (پرستش و موسوی‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۶۶) علنی بودن محاکمه نیز از جمله موارد نقض حریم خصوصی به‌خاطر وجود یک منفعت عمومی است. افراد به دلایل گوناگون از جمله مطرح‌شدن اطلاعات شخصی در جلسات دادگاه نمی‌خواهند افراد دیگر از این امر مطلع شوند؛ اما طبق اصل ۱۶۵ قانون اساسی اصل بر علنی بودن محاکمات است. به‌عبارت‌دیگر، پس از طرح پرونده در دادگاه، اصل بر این است که جامعه حق دارد از آنچه در دادگاه می‌گذرد آگاه شود. این امر نه‌تنها برای جامعه مفید است، بلکه با نظارت عموم بر روند دادگاه به تحقق عدالت نیز کمک می‌شود (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۶). افزون‌براین‌ها، اصل ۱۴۳ قانون اساسی را می‌توان مهم‌ترین مصداق نقض حریم خصوصی مقامات و فرزندانشان به علت منفعت عمومی دانست. یکی از مهم‌ترین مصادیق حریم خصوصی میزان اموال و دارایی و طریقهٔ کسب آن است. مقنن، با فرض احتمال سوءاستفاده از مقام برای کسب ثروت، حق بر دانستن را بر حریم خصوصی مسئولان ترجیح داده است. طبق ماده ۱ قانون رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۹۴، مسئولان و مقامات مکلف‌اند صورت اموال و دارایی خود و همسر و فرزندان خود را پیش و پس از هر دورهٔ خدمتی به رئیس قوه قضاییه اعلام کنند. بدین ترتیب، در رویکرد قانونگذار، منافع عمومی بر حریم خصوصی ترجیح داده شده است. از این رو می‌توان، در پناه منافع عمومی، حتی حریم خصوصی اشخاص را تحدید کرد.

با این حال، ترجیح کامل منافع عمومی بر حریم خصوصی نیز درست نیست؛ بلکه به‌نظر می‌رسد باید بر اساس شرایط هر پرونده تصمیم گرفت که کدام‌یک از دو حق متزاحم اهمیت بیشتری دارد و در نتیجه قابل ترجیح است. چنان‌که در فقه نیز، در مقام رفع تزاحم، به اهمیت دو

موضوع متزاحم توجه کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ه.ق، ص ۴۰۸-۴۰۹).^۱ در ادبیات حقوقی نیز، «منافع قابل احترام‌تر» ترجیح داده شده است.^۲ افزون بر این‌ها، در اندیشه‌های فلسفی نیز، در صورت تزاحم دو حق، حقی را که از ارزش بیشتری برخوردار است بر حقوقی که ارزش کمتر دارند برتری داده‌اند (رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۱). با تأثیرگرفتن از همین باور است که در ماده ۱۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری چنین آمده است: «چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در تزاحم باشد، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم‌تر باشد». در این ماده مقنن حریم منزل از مهم‌ترین مصادیق حریم خصوصی را در صورت وجود امری مهم‌تر قابل نقض می‌داند. بدین ترتیب، قاضی باید بر اساس «اوضاع و احوال هر پرونده» بررسی کند که کدام‌یک از دو حق متزاحم اهمیت بیشتری دارد؛ در این مسیر، باید پرسید: آیا انتشار تصویر کودک متعلق به شخص مشهور در راستای منافع عمومی جامعه و به منظور اطلاع‌رسانی از چیزی است که برای جامعه اهمیت دارد یا صرفاً به قصد پاسخ به حس کنجکاوی مخاطبان و افزایش فروش و کسب سود بیشتر است؟ در این مسیر، می‌توان از یک قرینه نیز کمک گرفت: آن‌گاه که یکی از والدین شخص مشهور سیاسی باشد، می‌توان فرض را بر این گذاشت که انتشار اطلاعات مربوط به وی در منافع عمومی جامعه تأثیرگذار است. برای همین، بهتر است که از آزادی بیان حفاظت شود چراکه غالباً در افشای اطلاعات این اشخاص نفع عمومی متصور است. باین‌حال، سیاسی یا غیرسیاسی بودن لزوماً تنها معیار برای تشخیص وجود منفعت عمومی نیست. در واقع، در خصوص اشخاص مشهور سیاسی نیز باید بین کنجکاوی‌های بی‌مورد با افشاگری در راستای منفعت عمومی فرق گذاشت (پرستش و موسوی‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۵۵). آن‌گاه که انتشار تصویر فرزند شخص مشهور فقط به منظور جلب توجه مردم و افزایش مخاطبان صورت گیرد، نمی‌توان اقدام رسانه را قابل توجیه دانست؛ اما درجایی که این اقدام به منظور باخبرکردن مردم از امری است که بر زندگی آن‌ها تأثیر دارد، به نظر می‌رسد انتشار تصویر توجیه‌پذیر باشد.

پاسخ به این سؤال نیز بسیار مهم است که در نظام حقوقی ایران چه کسی می‌تواند درباره انتشار تصویر و به‌طور کلی انتشار اطلاعات مربوط به حریم خصوصی کودکان تصمیم بگیرد. باید گفت، بر اساس مواد ۱۱۸۱ و ۱۱۸۲ ق.م. و با توجه به جنبه مالی حق تصویر، ولی می‌تواند درباره تصویر کودک تصمیم بگیرد. به علاوه، وقتی ولی می‌تواند درباره یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی شخصی محجور یعنی ازدواج (ماده ۱۰۴۱ ق.م) و طلاق وی (ماده ۱۱۳۷ ق.م) تصمیم بگیرد، مسلماً اختیار تصمیم‌گیری درباره سایر حقوق غیر مالی او را نیز خواهد داشت. همین سخن درباره قیم نیز قابل اجرا است، چه «مواظبت شخص مولی‌علیه» که به‌ظاهر ناظر به امور غیر مالی است و نیز، «نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی» به قیم داده شده است (ماده ۱۲۳۵ ق.م). بدیهی است آنجا که ولی یا قیم در تصمیم‌گیری خود مصلحت محجور را رعایت نکند، مسئولیت خواهد داشت (ماده ۱۱۸۴ ق.م. درباره ولی و ماده ۱۲۳۸ همان قانون درباره قیم).^۴

نتیجه‌گیری

توسعه فناوری‌های نوین باعث شده است که رسانه‌های نوینی شکل بگیرد که در مقایسه با رسانه‌های سنتی و چاپی مانند روزنامه سرعت انتشار بیشتری دارند. دسته نوین رسانه‌ها که در نتیجه پیشرفت فناوری در قرن بیستم به وجود آمده است، شامل رادیو، تلویزیون، اینترنت و شبکه‌های

۱. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم بن عبدالعظیم، حاشیه المکاسب، ج ۲، ح ۲، بی‌نا، بی‌تا، ص ۱۶۳: «فلان مقتضی القاعده فی باب التزاحم تقدیم جان الاہم... انہ لایجب فی انقاذ الغریقین تقدیم من غرق اولاً وتعلق التکلیف بانقاذہ بل یلاحظ الاہمیہ ویقدم الثانی اذا کان اہم وكذلك لایجب تقدیم دین السابق اذا کان عنده من المال ما لایکفی الا لاحد الدینین وان کان السابق سابقاً فی المطالبه ایضاً وکذا لایجب تقدیم احد غریمی المیت فی الدین المستغرق وان کان حقه تعلق بالترکه قبل الاخر بان حدث الدین الثانی بعد الموت وکذا فی کل واجبین متزاحمین لایلاحظ الاسبقیہ بل الاہمیہ...».

۲. کاتوزیان، ناصر، حقوق و عدالت، نقد و نظر، ش ۱۰ و ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۷۶، ص ۸۳. «پاره‌ای از نویسندگان، عدالت را نظامی دانسته‌اند که برتری منافع قابل احترام‌تر را تأمین می‌کند. مقصود از این گفته این است که، نظم اجتماعی بر مبنای زور و قدرت قرار نگیرد و به‌جای منافع قوی‌تر، منافع قابل احترام‌تر رجحان داده شود.».

۳. ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی: «هریک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند.» ماده ۱۱۸۲ قانون مدنی: «هرگاه طفل هم پدر و هم جد پدری داشته باشد و یکی از آن‌ها محجور یا به علتی ممنوع از تصرف در اموال مولی‌علیه گردد ولایت قانونی او ساقط میشود.»

۴- «هرگاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را نماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی‌علیه گردد به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست رئیس حوزه قضایی پس از اثبات، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می‌نماید...» ماده ۱۱۸۴ ق.م، «قیمی که تقصیر در حفظ مال مولی‌علیه بنماید مسوول ضرر و خسارتی است که از نقصان یا تلف آن مال حاصل شده اگرچه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعدی قیم نباشد.» ماده ۱۲۳۸ همان قانون.

اجتماعی می‌شود. بی‌شک، در میان این موارد، اینترنت نقش زیربنایی دارد و شبکه‌های اجتماعی بر بستر آن به وجود آمده‌اند. با ظهور شبکه‌های اجتماعی، هر شهروند به یک خبرنگار بالقوه تبدیل شده است که با استفاده از دوربین تلفن همراه خود می‌تواند پیام یا تصویری را به سرعت در معرض دید همگان قرار دهد، درحالی‌که پیش از شبکه‌های اجتماعی این امکان محدود به خبرنگاران و روزنامه‌نگاران بود. پس رسانه‌های نوین، با محوریت شبکه‌های اجتماعی، هم از لحاظ سرعت و هم از لحاظ گستردگی تولیدکنندگان محتوا حرکتی انقلاب‌گونه را رقم زده‌اند. یکی از موضوعات جذاب برای شهروندان و تولیدکنندگان محتوا در شبکه‌های اجتماعی موضوعات مربوط به حریم خصوصی کودکان اشخاص مشهور است. موضوع حریم خصوصی و رسانه‌های نوین باید بررسی شود تا ضوابط حقوقی دقیقی بر رسانه‌های نوین اعمال شده و تعارض حق آزادی بیان در رسانه‌های نوین و حق حریم خصوصی اشخاص برطرف شود.

آیا کودکان اشخاص مشهور، همچون کودکان افراد عادی، از حق حریم خصوصی برخوردارند یا حریم خصوصی این کودکان محدودتر است؟ در پاسخ به این پرسش، برخی به اصل برابری استناد می‌کنند و صرف نظر از والدین اشخاص، همه را به یک اندازه مستحق حریم خصوصی می‌دانند، به ویژه آن‌که نقض حریم خصوصی کودکان ممکن است آثار زیان‌باری بر شخصیت کودک در آینده داشته باشد. از این رو، اقتضای تأمین مصلحت کودک بر رعایت حریم خصوصی اوست ولو آن‌که متعلق به شخص مشهور باشد. در برابر این باور، برخی دیگر به اهمیت آزادی بیان استناد می‌کنند و انتشار اطلاعات از زندگی خصوصی اشخاص مشهور را در راستای تأمین منافع عمومی می‌دانند. اینان بر این باورند که انتشار تصاویر کودکان اشخاص مشهور می‌تواند سبب افشای چهره واقعی این اشخاص شود و از این جهت، اقدام رسانه‌ها برای انتشار در راستای اجرای نقش آن‌ها برای اطلاع‌رسانی خواهد بود.

در برابر این دو دیدگاه، برخی دیگر میان نوع شهرت شخص تفکیک قائل می‌شوند؛ این‌که شخص مشهور فردی سیاسی است یا خیر، سبب می‌شود که کودکش نیز حریم خصوصی محدودتر یا وسیع‌تری داشته باشد. همچنین، این‌که کودک در مکان عمومی قرار دارد یا در مکان خصوصی در میزان حریم خصوصی اش مؤثر است.

برخی دیگر به نظریه توازن استناد می‌کنند و با ارائه معیارهایی مانند منفعت عمومی به دنبال برقراری توازن عادلانه میان حق حریم خصوصی و حق آزادی بیان‌اند. نظریه توازن فقط به ارائه معیار ثابتی مانند سیاسی یا غیرسیاسی بودن توجه نمی‌کند، بلکه با نظر به عوامل مختلفی مانند جنس اطلاعات منتشر شده، امکان رعایت نفع عمومی با عدم نمایش چهره یا شخصیت کودک شخص مشهور، امکان تصور نفع عمومی در انتشار اطلاعات و سایر عوامل مؤثر، در هر مورد به تجویز نقض حریم خصوصی یا حفاظت از آن حکم می‌کند.

به نظر می‌رسد در نظام حقوقی ایران، با وجود به رسمیت شناخته شدن دو حق آزادی بیان و حق حریم خصوصی در بالاترین سطح هرم قانونی، یعنی قانون اساسی، توجهی به رفع تزاخم بین این دو حق نشده است. با توجه به این سکوت، در مقام رفع تزاخم بهتر است قاضی اهمیت دو حق متزاخم را بسنجد و حقی که اهمیت بیشتری دارد را بر دیگری ترجیح دهد. بدین ترتیب، تصمیم‌گیری در این باره مبتنی بر شرایط هر پرونده و مجموع رویدادهایی که در آن رخ داده خواهد بود.

منابع

- استندلی، پاوول (۱۳۹۱). *حقوق حفظ اسرار*. محمد حسینی وکیلی مقدم (مترجم). تهران: همگان.
- اسلامی، رضا (۱۳۹۳). *آموزش حقوق بشر*. تهران: معجد.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ه.ق). *کتاب الطهاره*. مؤسسه آل بیت.
- بیات کمیتکی، مهناز و بالوی، مهدی (۱۳۹۵). *روش حل تعارض حقوق فردی و منافع جمعی در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر*. تحقیقات حقوقی، ۲۰ (۷۷)، ۳۱۹-۳۴۴.
- بی‌پروا، امیر (۱۳۹۷). *رسانه، حقوق بشر و شهروندی*. تهران: نشر میزان.
- پرستش، رضا و موسوی‌زاده، سیدشهاب‌الدین (۱۳۹۴). *حریم خصوصی مقامات عمومی*. ققه و حقوق اسلامی، ۶ (۱۱)، ۵۵-۸۳.

- ذاکریان، اکبر، جاور، حسین و بطحایی، سیدفرهاد (۱۳۹۹). حریم خصوصی افراد مشهور و فرزندانشان. *دانش حقوق عمومی*، ۹ (۳۰)، ۱۱۷-۱۴۰.
- رحمانی، زهره (۱۳۹۰). نظریه‌های موند حق: نظریه برابری گرای کانتی. *راهبرد*، ۲۰ (۵۸)، ۲۰۳-۲۱۶.
- روحی، مریم و شب‌افروزان، صغری (۱۳۹۶). *فناوری‌های نوین ارتباطی در هویت اجتماعی و فرهنگی، از نظریه تا سنجش*. تهران: نشر وانیان، چاپ اول.
- روشن، محمد و حمدی، حسین (۱۳۹۸). *مصالح عالی‌ه کودک در حقوق و رویه قضایی ایران و کنوانسیون حقوق کودک*. حقوق کودک، ۱ (۱)، ۱۱-۳۶.
- زند، محمدرضا (۱۳۸۹). *تحقیقات مقدماتی در جرائم سایبری*. تهران: جنگل.
- شجاع سنگچولی، مهرویه (۱۳۹۹). *حق حریم خصوصی کودکان در حقوق موضوعه ایران و کنوانسیون حقوق کودک*. *حقوق و مطالعات نوین*، ۱ (۱)، ۱-۱۷.
- کوثری، مسعود (۱۳۹۶). *فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی*. تهران: نشر سمت.
- محسنی، فرید (۱۳۸۹). *حریم خصوصی اطلاعات (مطالعه کیفی در حقوق ایران، ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه)*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- مشیری، مهشید (۱۳۷۱). *فرهنگ زبان فارسی، الفبایی قیاسی*. تهران: انتشارات سروش.
- معمدزاد، کاظم (۱۳۸۶). *وسایل ارتباط جمعی*. تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبائی.
- مقامی، امیر و عطاران، نادیا (۱۳۹۸). *موازنه‌ی افشای حریم خصوصی خانوادگی چهره‌های مشهور در رسانه‌ها و آزادی بیان در رویه نهادهای قضایی*. *مطالعات حقوق عمومی*، ۴۹ (۲)، ۳۱۲-۳۳۰.
- میرشکاری، عباس (۱۳۹۷). *استثنائات حق تصویر*. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۹ (۱)، ۴۵۱-۴۷۲.
- Hong, S. C. (2016). Kids Sell: Celebrity Kids' Right to Privacy. *Laws*, 5(2), 18.
- Cohen-Almagor, R. (2003). Privacy - Two Episodes: Princess Diana's Death and Les Editions Vice-Versa Inc. v. Aubry. *International Journal of Communications Law and Policy*, 7, 1-24
- Drake, P., & Miah, A. (2010). The cultural politics of celebrity. *Cultural politics*, 6(1), 49-64.
- Helling, A. E. (2005). *Protection of "persona" in the EU and in the US: a comparative analysis*. A thesis submitted to the graduate faculty of the University of Georgia. Athens. Georgia
- Kenyon, A. T., & Mline, E. (2005). Images Of Celebrity: PublicityPrivacy, Law. *Media & Arts Law Review*, 10(4), 2-24.
- Korkeamäki, Esa, Rainer oesch and Jori Taipale (2003). *Character merchandising in Europe*. London
- Krüger, B. (1982). *Right of privacy, right of personality and commercial advertising*. pp. 12-25.
- Lockhart, W. B., Kamisar, Y., & Choper, J. H. (1975). *Constitutional Rights and Liberties Cases and Materials*, West publishing.
- Levasseur, G. (1994). Protection de la personne, de l'image et de la vie privée (la voie pinale). *Gaz. Pal.* page 997 et suivantes.
- Maralyan, A. (2012). Comparative Analysis of the Protection of Private Life of Public Officials and Public Figures Guaranteed by the Constitution of the United States and European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms. *Tufts University Fletcher School of Law and Diplomacy*.
- Marshall, J. (2008). *PersonalFreedom through Human Rights Law? Autonomy, Identity and Integrity under the European Convention on Human Rights*. Boston: Martinus. Nijhoff Publishers

- Marôpo, L., & Jorge, A. (2014). At the heart of celebrity: celebrities' children and their rights in the media. *Communication & Society*, 27, 17-32.
- Mirshekari, A. & Ahmadi A. (2021). *Right To Image In The Mirror Of International Documents, Islamic Law And Legal System Of Iran*. Journal of Shariah Law Research, vol6, no1, 11-36.
- Revel, C. (2015). *General interest and freedom of the press in the European Court of Human Rights case law: a comparative study between France and the United Kingdom* (Doctoral dissertation).
- Robinson, M. N. (2014). Protecting a Celebrity's Child from Harassment: Is California's Amendment Penal Code Sec. 11414 Too Vague to Be Constitutional? *Pace Intell. Prop. Sports & Ent. LF*, 4, 559.
- Smet, S. (2010). Freedom of expression and the right to reputation: human rights in conflict. *American University International Law Review*, 26(1), 184-236.
- Whittle, S., & Cooper, G. (2009). *Privacy, probity and public interest*. Reuters Institute for the Study of Journalism of the University of Oxford publisher.